



پرتال جامع علوم انسانی

شرح احوال نظامی

شرح احوال و آثار نظامی

حکیم جمال الدین ابو محمد بن یوسف بن زکی بن مؤید، نظامی گنجوی، از استادان بزرگ و از ارکان شعر فارسی است «سدید الدین محمد عوفی مؤلف کتاب لباب الالباب او را الحکیم الکامل نظامی الکنجه خوانده لکن پاره‌ای تذکره نویسان وی را ابو محمد لقب داده اند. اما قول مؤلف کتاب کشف الظنون حاجی خلیفه که نام او

را در حاشیه خمسہ نظامی، جمال الدین الیاس بن یوسف بن مؤید الکنجوی معرفی کرده است، بشابه نظر مورخین صحیح بنظر می‌رسد. از دوران کودکی شاعر اطلاعی در دست نیست اما از اشعار او برمی آید که از مادر کردنژاد باشد. نظامی در منظومه‌های خود از زنی به نام آفاق که همسر شاعر بوده و فرزندش نام برده و همچنین از دوزن دیگر که پیش از مرگ شاعر وفات یافته اند نیز در اشعار

خویش اشاره کرده است. دولتشاه مؤلف کتاب تذکره دولتشاه و هدایت مؤلف کتاب مجمع الفصحا و ریاض العارفين او را برادر قوافی مطرزی گنججوی دانسته اند. «مولد شاعر را همه تذکره نویسان گنجه در ماوراء رود ارس دانسته اند، ولی گویا بدلیل دو بیت شعر خود در اقبالنامه او را از قهستان قم (شهرستانی در جنوب استان تهران) دانسته اند. به هر حال آنگونه که از قراین برمی آید نظامی از گنجه بیرون نرفته.»
 «در تاریخ ولادت نظامی اختلاف است اما آنچه مسلم است تولد شاعر بزرگوار در نیمه قرن ششم هجری بین سالهای ۵۳۰-۵۴۰ اتفاق افتاد.»
 تاریخ وفات نظامی هم بصورت های گوناگون ذکر شده است. مثلاً دولتشاه سمرقندی در تذکره الشعرا (چاپ هند) آنرا سال ۵۷۰ و چاپ اروپا، سال ۵۷۶ و حاجی خلیفه در کشف الظنون ۵۹۶ و ۵۹۷ و لطفعلی بیگ آذر سال ۵۸۹ و هدایت در سال ۵۷۶ ذکر کرده اند.

عرفان نظامی

مرحوم سعید نفیسی در اثر خود بنام دیوان قصائد و غزلیات نظامی گنجوی، وی را فردی درویش مسلک که عزلت و گوشه گیری را می خویش قرار داده و پاکدامنی و پارسایی را پیشه خود نموده و معاش خود را از راه بزرگری می گذرانده معرفی کرده است. اما شاید هیچکس به اندازه خود خواجه گنجه خویشان را معرفی نکرده باشد.

منم روی از جهان در گوشه کرده
 کف نان جوین را توشه کرده
 چوماری بر سر گنجی نشسته
 چو گنجی در بروی خویش بسنه
 چو زنبوری که دارد خانه ای تنگ
 در آن خانه بود حلوی صد رنگ

(منظومه خسرو و شیرین)
 دکتر برات زنجانی مؤلف کتاب «احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار» نظامی را در بعد روحیات عرفانی چنین توصیف می‌کند:

«نظامی عارفی است زاهد و زاهدی است عارف، انسانی است کامل و معرفت خدا سراسر هستی اش را فرا گرفته، ذرات وجود، فکر و روحش همه، ذکر خداست، از خود تهی و از خدای پر، واعظی مشفق و عالمی است عامل، شفاعت طبع و غنای معنویش در حد اعلاست. از خدا می خواهد که خاطرش را از معرفت آباد کند. هرگز بی نام خدا دفتر خود را باز نکرده. توفیق می خواهد و راه تحقیق می طلبد. خودپرستی را بزرگترین آفت می داند و یقین دارد که خودپرست خداپرست نیست، روز و شب در ذکر خداست، در دل شهبها با چشمان

شکبار سر به خاک می نهد.

استاد وحید دستگردی در باب باورهای مذهبی شاعر می‌گوید: «در بسیاری از مسائل و عقاید مذهبی و اصول دین، نظامی پیرو اشاعره و مخالف معتزله می‌باشد.^۵ این معنی در چندین جا از اشعار وی واضح است. در منظومه خسرو شیرین می‌گوید:

«اندازد فعل من آن زور و بازو

که با عدل تو گردد هم ترازو

بلی از فعل من فضل تو بیش است

اگر بنوازم در جای خویش است»^۶

پاره‌ای از مورخین نظامی را شاعری آزادمنش و بدور

از دربار دانسته‌اند و بر این عقیده‌اند که وی مدیحه‌سرای

پادشاهان نبوده و همیشه این شاهان بوده‌اند که او را به

پیش خود خوانده‌اند در این زمینه نظامی در منظومه خسرو

و شیرین می‌گوید:

حدیث آنکه من در گاه و بیگاه

ملازم نیستم با پادشاهان

نباشد برفلک پوشیده رازم

که من جز با دعا با کس نسازم

ندانم کرد خدمت‌های شاهی

مگر لختی سجود صبحگاهی

سبک نظامی: «در این مورد نظامی از شاعرانی

است که بیشک باید او را از استادان مسلم این زبان

دانست. وی از آن سخنگویانیست که مانند فردوسی و

سدهی توانست بایجاد یا تکمیل سبک و روش خاص

و یقین باید. اگرچه داستان‌سرایی در زبان فارسی بوسیله

نظامی شروع نشده و چنانکه دیده‌ایم از آغاز ادب فارسی

سابقه داشته است. لیکن تنها شاعری که تا پایان قرن

ششم توانست این نوع از شعر یعنی شعر تمثیلی را در زبان

فارسی به حد اعلای تکامل برساند نظامی است. وی در

انتخاب الفاظ و کلمات مناسب و ایجاد ترکیبات خاص

تازه و ابداع و اختراع معانی و مضامین نو و دلپسند در هر

مورد مهارتی فوق‌العاده دارد. تصویر جزئیات و نیروی

تخیل و دقت در وصف و ایجاد مناظر رائج و ریزه کاریها

در توصیف طبیعت و اشخاص و احوال نشأت گرفته از

ذهن خلاق و مبدع او است. همچنین در بکار بردن

تجسّمات و استعارات مطبوع و نودر شمار کسانتی است

که بعد از خود نظیری نیافته. حق آن است که بگوئیم این

شاعر سلیم القطره و دقیق النظر در عین مبالغه در استفاده از

طلاعات ادبی و علمی خود و یا افراط در نیروی تخیل و

مبالغه در ایجاد ترکیبات نولاحتی در لحن و لطافتی در

بیان و علوی در معانی دارد که این نقص و نقائص از آن

نیل را بکلی از نظر خواننده دور می‌سازد.^۷

زبان نظامی خاص خود اوست. آنچه شعر نظامی را

صیغه خاص می‌بخشد واشکال و اغلال در آن بوجود

می‌آورد طرز بیان اوست که پر از مجاز و استعاره و کنایه

است. امثال و اشارات بقتصص و اصطلاحات علوم و فنون

و بطور مبسوط بهره‌گیری از علم نجوم از مختصات شعری

اوست»^۸

دکتر ذبیح الله صفا مهارت در نظم و ترتیب در

منظومه‌های نظامی را آنچنان می‌داند که باعث گردیده

عده زیادی از شاعران از وی تقلید نمایند. از جمله آنان

امیر خسرو دهلوی، خواجوی کرمانی، جامی، هاتمی،

قاسمی، وحشی بافقی، عرضی، مکنبی، فیضی فیاض،

اشرف مراغی و آذربیکدلی را می‌توان نام برد.

«نظامی در آوردن مسائل حکمی و عرفانی و زهد در

مخزن الاسرار پیرو سنایی است»^۹ «از طرفی نظامی

بنیانگذار نوعی منظومه‌های نسبتاً طویل و شیوایی بنام

ساقینامه در ادب فارسی است. این نوع شعر که مشحون از

لطایف و ظرائف و مملو از عبارات دل‌انگیز و لذت‌بخش

هستند یکی از عوامل تحول و تطور و شیرینی شعر پارسی

شده است»^{۱۰}

آثار نظامی: دکتر ذبیح الله صفا درباره آثار نظامی

نوشته است «نظامی غیر از دیوانی که عدد ابیات آنرا

دولت‌شاه بیست هزار بیت نوشته، پنج مثنوی مشهور به نام

پنج گنج دارد که آنها را عادتاً خمس نظامی می‌گویند.

مثنوی اول از پنج گنج، مثنوی مخزن الاسرار و مشتمل

بر حدود ۲۶۶۰ بیت در بحر سریع می‌باشد که شاعر آن را

بنام فخرالدین بهرام‌شاه بن داوود پادشاه ارزنگان که از

متابعان قزل ارسلان پادشاه سلجوقی بود، سرانیده.

مخزن الاسرار از امهات و سرآمد مثنوی سرایی ادب فارسی

و در برگزیده مواعظ و حکم در بیست مقاله می‌باشد.

مثنوی دوم خسرو و شیرین است. این منظومه در

۶۵۰۰ بیت به بحر هزج مسدس مقصور و محذوف است.

داستان خسرو و شیرین از جمله داستانهای اواخر عهد

ساسانی است که در کتبی از قبیل المحاسن و الاضداد

جاحظ و غرر اخبار ملوک الفرس شمالی و شاهنامه

فردوسی آمده است. این مثنوی مربوط به داستان عشق

خسرو و شیرین است. مثنوی سوم منظومه لیلی و مجنون

می‌باشد. نظامی آنرا به نام شروانشاه ابوالمظفر

احستان بن منوچهر سروده. این منظومه داستان عشق

غم‌انگیز مجنون (قیس بن ملوح بن مزاحم) از قبیله

بنی عامر و لیلی بنت سعد، از آن قبیله بوده است.

مثنوی دیگر بهرام‌نامه یا هفت پیکر یا هفت گنبد

است که شاعر به نام علاء‌الدین کرپ ارسلان پادشاه

مراغه در ۵۱۳۶ بیت سرانیده و تقدیم وی نموده. این

منظومه راجع به بهرام گور (بهرام پنجم ساسانی) می‌باشد

که از قصص معروف دوره ساسانی بوده است.

پنجمین مثنوی از پنج گنج، اسکندرنامه است. این

کتاب مجموعاً ۱۰۵۰۰ بیت و شامل دو قسمت می‌باشد

که نظامی قسمت نخستین را «شرفنامه» و دومین را

«اقبالنامه» نامیده است. شرفنامه حاوی داستان اسکندر از

ولادت تا فتح ممالک و بازگشت به روم است. و در

اقبالنامه سخن از علم و حکمت و پیغامبری اسکندر و

مجالس او با حکماء بزرگ و انجام زندگانی وی و انجام

روزگار حکمایی است که با او مجالست داشته‌اند»^{۱۱}

شهرت نظامی آنچنان چشمگیر است که نظر

نویسندگان و شعرای خاورشناس را به خود معطوف داشته:

«زان ریچکا خاورشناس و نویسنده معروف چکسلواکی

که مثنوی «هفت پیکر» نظامی را خلاصه و به فرانسه

ترجمه کرده است در مقدمه آن می‌نویسد: «بعضی از

مردم فقط نام نظامی را شنیده‌اند اما چیزی از او

نمی‌دانند. اینکه مردم عصر ما چنانکه باید نظامی را

شناخته‌اند دلیل بر بی‌ارزشی نظامی نیست»^{۱۲}

پاورقی

۱- شبلی نعمانی در شعر المعجم درباره خاندان نظامی چنین نوشته

است «خاندان نظامی همه از اهل فضل و هنر بوده‌اند قوافی مطرزی

برادر نظامی یکی از مشاهیر شعرای آن عصر بود.

۲- شعر:

«چو در گرجه در بحر گنج گم

ولی از قهستان شهر قمم

به تفرش دهی هست «تا» نام او / نظامی از آنجا شده نامجو» (از

اقبالنامه)

۳- از کتاب احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار تألیف دکتر برات

زنجانی

۴- از کتاب نظامی شاعر داستان‌سرا از دکتر علی اکبر شهابی

۵- اشاعره می‌گویند انسان در تمام کارها از خیر و شر مجبور است و

اگر خدای تعالی برای کارهای جبری پنده را سزا و کفر دهد عدل

است نه ظلم، زیرا نسبت قبح به خدا نمی‌توان داد تا ظلم موضوع پیدا

کند. پس هر چه نسبت به دیگران ظلم است نسبت به خدا عدل

است «ولایق تعالی شئی»

معتزله می‌گویند: اگر ما در خیر و شر مستحق ثواب و عقاب هم

باشیم لازم می‌آید که خدا ظالم باشد پس چون خدا ظالم نیست

جبری هم در کار نیست.

۶- گنجینه گنجوی از وحید دستگردی- انتشارات علمی ۱۳۶۳

۷- به نقل از کتاب تاریخ ادبیات ایران- تألیف دکتر ذبیح الله

صفا- انتشارات امیرکبیر جلد ۲ ص ۸۰۷

۸- به نقل از مجله ادبستان فرهنگ و هنر- شماره ششم- سال دوم

۹- به نقل از کتاب تاریخ ادبیات در ایران- تألیف دکتر صفا-

جلد ۲

۱۰- به نقل از مجله فاراد ۸- ۴۷

۱۱- تاریخ ادبیات دکتر صفا- انتشارات امیرکبیر ۲۵۳۵- صفحه

۸۰۱

۱۲- به نقل از نظامی شاعر داستان‌سرا- تألیف دکتر علی اکبر

شهابی- انتشارات ابن سینا

۱۳- به نقل از مجله فاراد ۸- ۴۷

۱۴- به نقل از مجله فاراد ۸- ۴۷

۱۵- به نقل از مجله فاراد ۸- ۴۷

۱۶- به نقل از مجله فاراد ۸- ۴۷

۱۷- به نقل از مجله فاراد ۸- ۴۷